

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شاپا: 739X-1735

دوره ۱۱، شماره ۳ (پیاپی ۶)، بهار ۹۹

## روابط ایران و چین؛ گذار از مثلث رمانتیک به پیوند پایدار

محسن شریعتی‌نیا\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۸

تاریخ تأیید: ۹۹/۰۳/۰۱

### چکیده

نویسنده در این مقاله روند تحول در روابط ایران و چین پس از خروج آمریکا از برجام را بررسی کرده است. پرسش کلیدی مقاله این است که خروج آمریکا از برجام و تغییر پارادایم مسلط بر روابط چین و ایالات متحده چه تأثیراتی بر روابط ایران و چین گذاشته است؟ فرضیه مورد بررسی برای پاسخ به این پرسش عبارت از این است که «با خروج آمریکا از برجام و تغییر پارادایم مسلط بر روابط چین و ایالات متحده، الگوی حاکم بر روابط ایران و چین به مثلث پیوند پایدار تغییر یافته است.» پژوهش حاضر با روش کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با رویکردی تحلیلی-تاریخی صورت پذیرفته است. بر مبنای یافته‌های مقاله، دوره جدیدی در روابط ایران و چین آغاز شده که طی آن دو بازیگر تجدیدنظرطلب هم‌زمان تحت فشار قدرت مسلط قرار گرفته‌اند. فشارهای توأمان ایالات متحده، زمینه را برای تغییر در الگوی حاکم بر رابطه ایران و چین در قالب گذار از مثلث رمانتیک به مثلث پایدار فراهم آورده است.

**واژگان کلیدی:** ایران، چین، آمریکا، مثلث رمانتیک، مثلث پایدار، تغییر سیستمی.

صفحات: ۱۱۴-۹۵

\*استادیار گروه علوم

سیاسی و روابط

بین‌الملل دانشگاه شهید

بهشتی

## مقدمه

روابط ایران و چین در چهار دهه اخیر همواره «سه‌جانبه» بوده و سیاست‌ها و کنش‌های ایالات متحده به‌عنوان بازیگر سوم نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به سیر روابط دو کشور در این دوره داشته است. خروج آمریکا از برجام، تأثیرات مهمی بر طراحی و اجرای راهبردهای سیاست خارجی ایران، آزادی عمل بین‌المللی این کشور و محیط روانی و عملیاتی آن داشته است. طیفی از تأثیرات مورد اشاره، در روابط ایران با چین به‌عنوان مهم‌ترین شریک تجاری، شریک مهم سیاسی، یکی از طرفین مهم برجام، مهم‌ترین خریدار نفت ایران و مهم‌ترین رقیب ایالات متحده بروز و ظهور یافته است. در دوره پس از خروج آمریکا از برجام، روابط ایران و چین ساختار جدیدی یافته و متغیرهای نوینی در شکل‌دهی به آن نقش‌آفرین شده‌اند. تنش میان ایران و ایالات متحده در دوره مورد بحث با نوعی تغییر ساختاری در الگوی حاکم بر روابط چین و ایالات متحده هم‌زمان شده است. افزون بر این از منظر منابع داخلی شکل‌دهنده به سیاست خارجی، نوعی گسست از سنت دیپلماسی بی‌سروصدای<sup>۱</sup> چین در حال وقوع است. نقش‌آفرینی این متغیرها روابط ایران و چین را وارد دوره جدیدی نموده است.

نویسنده می‌کوشد این تغییرات را در چارچوب نوع جدیدی از مثلث راهبردی در روابط ایران و چین تبیین نماید. در این راستا پرسش کلیدی عبارت از این است که خروج آمریکا از برجام و تغییر پارادایم مسلط بر روابط چین و ایالات متحده چه تأثیراتی بر روابط ایران و چین گذاشته است؟ فرضیه مورد بررسی برای پاسخ به این پرسش عبارت از این است که «با خروج آمریکا از برجام و تغییر پارادایم مسلط بر روابط چین و ایالات متحده، الگوی حاکم بر روابط ایران و چین به مثلث پایدار تغییر یافته است.» نویسنده با تکیه بر روش پژوهش کیفی کوشیده فرضیه را مورد مطالعه قرار دهد. در این راستا در گفتار نخست مثلث راهبردی به‌عنوان چارچوب مفهومی مورد بحث قرار گرفته است. در گفتار دوم روند تحول در روابط ایران و چین در قالب مثلث رمانتیک مورد بحث قرار می‌گیرد. گفتار سوم معطوف به تبیین آثار خروج آمریکا از برجام و تغییر در الگوی روابط این کشور با چین بر روابط ایران و چین در قالب شکل‌گیری مثلث پیوند پایدار است. در نهایت نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

## پیشینه پژوهش

تبیین نظری روابط ایران و چین همواره در حاشیه مطالعات سیاست خارجی در داخل و خارج بوده و از همین رو آثار اندکی در این باره نوشته شده است. شاهنده در کتابی که می‌توان آن را مهمترین اثر در تبیین نقش آمریکا در شکل دهی به روابط ایران و چین نامید، این متغیر را در دوره‌های مختلف مورد بحث قرار می‌دهد. در این اثر به درستی بر نقش تعیین‌کننده آمریکا در شکل دهی به سیر روابط ایران و چین در دوره‌های مختلف تاکید شده است (شاهنده، ۱۳۹۶). اما دوره مورد بررسی این کتاب تا اجرایی شدن برجام را در بر می‌گیرد و به تحولات پس از خروج آمریکا از برجام و بازتعریف مثلث راهبردی چین-ایران-آمریکا نمی‌پردازد. گارور در بررسی سیر تحول در روابط ایران و چین، متغیر ایالات متحده را مورد بحث قرار داده، اما این متغیر در کانون پژوهش وی قرار ندارد. افزون بر این دوره مورد بررسی او تا اواخر دولت اصلاحات را در بر می‌گیرد (Graver, 2006).

زاهد خان و چانگانگ در مقاله‌ای کوشیده‌اند پیامدهای روابط ایران و چین در حوزه انرژی برای سیاست‌های ایالات متحده را مورد بحث قرار داده‌اند. مقاله عمدتاً معطوف به ارائه آمارهای نه‌چندان دقیق از روابط دو کشور در حوزه انرژی است. به دیگر سخن پیامدهای این تعاملات برای ایالات متحده تبیین نشده است (Khan & Guo, 2018). نویسنده دیگری در بررسی مناظرات در درون چین در مورد گزینه‌های این کشور در شکل دهی به روابط با ایران، حمایت از سیاست‌های ایالات متحده را به‌عنوان یکی از گزینه‌هایی که مورد بحث قرار گرفته مطرح نموده است (Fan, 2018). ژائو هونگ در مقاله‌ای به دشواری‌های چین در حفظ موازنه شکننده میان توسعه روابط با ایران و تصویرسازی خود به‌عنوان قدرتی بزرگ و مسئول می‌پردازد. او استدلال می‌کند که حفظ این موازنه برای چین اهمیت دارد، اما در مقطعی که مجبور به انتخاب شده، حفظ روابط سازنده با ایالات متحده را بر توسعه روابط با ایران ترجیح داده است. دوره بررسی این مقاله تا سال ۲۰۱۴ امتداد می‌یابد. به دیگر سخن دوره اجرایی شدن برجام و خروج ایالات متحده از آن را در بر نمی‌گیرد (Hong, 2013). با بررسی آثار اندکی که در مورد تبیین نقش ایالات متحده در شکل دهی به سیر روابط ایران و چین منتشر شده، می‌توان مدعی شد که مثلث راهبردی در هیچ یک از این آثار به‌عنوان چارچوب مفهومی به کار گرفته نشده است. دیگر آنکه دوره

مورد بررسی این آثار تا پیش از خروج ایالات متحده از برجام را در بر می‌گیرد. بنابراین نوآوری این مقاله در به کارگیری چارچوب مفهومی جدید و کاربست آن در تبیین روند تحول در روابط ایران و چین در دوره پس از خروج آمریکا از برجام است.

### ۱. چارچوب مفهومی؛ مثلث استراتژیک و روابط سه‌جانبه کشورها

مفهوم مثلث استراتژیک ریشه در تبیین نظری روابط آمریکا-چین-شوروی در دوره جنگ سرد دارد. شکل‌گیری، تداوم و تحول این مثلث یکی از عوامل کلیدی تحولات موازنه قدرت در سیاست بین‌الملل این دوره بود. پیروزی انقلاب کمونیستی چین در ۱۹۴۹، شکل‌گیری ائتلاف میان این کشور و شوروی و مشارکت هماهنگ آنان در جنگ کره و تا حدی در جنگ ویتنام علیه بلوک غرب، آشکارا موازنه قدرت متعارف در شرق اوراسیا را به سود بلوک شرق تغییر داد (Chen, 2010). از همین رو تبیین نظری این مثلث به‌گونه‌ای فزاینده در کوشش‌های اندیشمندان روابط بین‌الملل اهمیت یافت. افزون بر این مناظره معروفی در سیاست داخلی ایالات متحده با این مضمون که چه کسی چین را از دست داد، درگرفت (Dahya, 2019). این مثلث در آغاز دهه ۱۹۷۰ در قالب "دیپلماسی پینگ پنگ" دگرگون گشت و زمینه را برای دگرگونی کلان در موازنه قدرت در جنگ سرد فراهم آورد. ایالات متحده از ۱۹۴۹ همواره در پی جدا کردن چین از شوروی بود. با تیره شدن فزاینده روابط دو قدرت کمونیستی زمینه برای تغییر نقش چین در این مثلث فراهم آمد. شوروی به تهدید مشترک چین و آمریکا بدل شد و مثلث استراتژیک صورت‌بندی جدیدی یافت، صورت‌بندی‌ای که تا فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد تداوم یافت (Luthi, 2010).

متأثر از دگرگونی این روابط، مثلث استراتژیک به‌مثابه نوعی بازی تعاملی میان سه بازیگر تعریف شد. در قالب این تعریف بازی تعاملی می‌تواند در اشکال همکاری جویانه، رقابتی و سلسله‌مراتبی صورت گیرد. برای شکل‌گیری مثلث استراتژیک سه شرط کلیدی برشمرده‌اند. نخست آنکه هر سه دولت، اهمیت استراتژیک اعضای مثلث را پذیرفته باشند. دوم آنکه هر دولت، دو دولت دیگر را به‌عنوان دولت‌های مستقل و مشروع به رسمیت شناخته باشد. سوم آنکه روابط هر دو دولت با یکدیگر از روابط آنان با دولت سوم آشکارا متأثر شود.

از همین رو در یکی از مفهوم‌بندی‌ها، سه‌گونه مثلث استراتژیک از یکدیگر تفکیک شده‌اند. مثلی که در آن هر سه بازیگر روابط دوستانه و نزدیکی با یکدیگر دارند، مانند آمریکا-اروپای غربی-ژاپن در دوره جنگ سرد و آمریکا-هند-ژاپن در وضعیت کنونی. دومین گونه که مثلث رمانتیک نامیده شده، مثلی است که در آن یک دولت با دو دولت دیگر روابط دوستانه‌ای دارد، اما آنان با یکدیگر دشمنی دارند. در چنین شرایطی این دولت می‌کوشد از یک سو دوستی با دو دولت را تداوم بخشد و از دیگر سو دشمنی میان آن دو تداوم یابد و بدین واسطه منافع خود را به صورتی حداکثری تأمین نماید. سومین گونه مثلث راهبردی را «پیوند باثبات» نام داده‌اند. در این شرایط نوعی دوستی و مودت بین دو بازیگر و دشمنی میان آنان و بازیگر سوم وجود دارد. این دشمنی می‌تواند متقارن باشد یا نباشد (Lowell, 1983).

اشاره شد که مناظرات گسترده در مورد روند تحول در روابط درهم‌تنیده این سه قدرت در دوره جنگ سرد، به تدریج «مثلث استراتژیک» را به مفهومی پرکاربرد بدل کرد، مفهومی که پژوهندگان سیاست بین‌الملل با بهره‌گیری از آن کوشیده‌اند ابعادی از سیاست بین‌الملل پساجنگ سرد را نیز تبیین نمایند (Pant, 2004). در این فرایند به تدریج این مفهوم از انسجام نظری بیشتری نیز برخوردار شد. در مفهوم بندی‌های پساجنگ سرد، مثلث استراتژیک معطوف به تبیین روابط قدرت درهم‌تنیده میان سه بازیگر مهم در سیاست بین‌الملل است و در شرایطی شکل می‌گیرد که هر یک از سه بازیگر در طراحی سیاست‌های خود در حوزه یا حوزه‌های موضوعی، قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و ابزارهای دو بازیگر دیگر را برای تأثیرگذاری بر این سیاست‌ها در نظر بگیرند. در مطالعات جدید حتی این شرط که هر سه بازیگر از توانمندی لازم برای تأثیرگذاری بر محاسبات دو بازیگر دیگر برخوردار باشند نیز با چالش مواجه شده است. این مفهوم بندی در مطالعه روابط آمریکا-چین-نیوزیلند (Steff, 2019) (و آمریکا-چین-تایوان (Tim, 2016) به کار گرفته شده است.

نویسندگان در این مقالات تأکید کرده‌اند که این مدل را برای تبیین پویایی‌های بنیادین و درهم‌تنیده روابط این بازیگران و نه به‌عنوان مدلی برای تبیین روابط متقارن میان آنان به کار بسته‌اند، نکته‌ای که در موضوع مورد

بررسی در مقاله حاضر نیز واجد اهمیت است. به دیگر سخن، هدف اصلی از کاربست الگوی مثلث راهبردی، تبیین پویایی‌های بنیادین روابط ایران و چین و در هم تنیدگی آن با سیاست‌ها و کنش‌های ایالات متحده است. مثلث‌های استراتژیک می‌توانند در ابعاد جهانی و منطقه شکل گیرند. مثلث آمریکا-چین-شوروی نمونه جهانی چنین ساختاری بود. مثلث استراتژیک چین-کره شمالی-آمریکا را می‌توان نمونه منطقه‌ای چنین ساختاری محسوب داشت. دیگر آنکه برخلاف مثلث قدیمی آمریکا-چین-شوروی که بر بنیان توانمندی هسته‌ای، تقارن قدرت و برخورداری از موقعیت قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل شکل گرفته بود، در مثلث‌های پساجنگ سرد سایر چهره‌های قدرت، به‌ویژه قدرت اقتصادی-تجاری و دیپلماتیک اهمیت یافته‌اند و تا حدودی از اهمیت قدرت نظامی کاسته شده است (Haftendom, 2004).

مثلث‌های جدید در محیط جهانی یا آنچه جهانی شدن سیاست نامیده شده شکل می‌گیرند، محیطی که نهادهای بین‌المللی بین‌دولتی و نهادهای غیردولتی نقش بسیار مهم‌تری در مقایسه با دوره جنگ سرد در آن ایفا می‌کنند (Murphy, 2017). اما مهم‌ترین تفاوت مثلث‌های جدید با مثلث استراتژیک جنگ سرد، روابط نامتقارن قدرت میان اعضای آن است. در دوره جنگ سرد، مثلث استراتژیک آمریکا-چین-شوروی بر بنیان قدرت نظامی و به‌ویژه تسلیحات هسته‌ای شکل گرفت و طرفین به‌شدت به حفظ تقارن و توازن حساسیت نشان می‌دادند، اما در مثلث‌های استراتژیک پساجنگ سردی، روابط قدرت نامتقارن است. آمریکا هنوز تنها ابرقدرت اقتصادی و نظامی سیاست بین‌الملل پساجنگ سرد است و همین امر مثلث‌های پساجنگ سردی را نامتقارن کرده است (Hallenberg, 2006).

با دقت در سیر روابط ایران و چین در دوره مدرن می‌توان مدعی شد که متغیر ایالات متحده به‌عنوان کلیدی‌ترین بازیگر نظام بین‌الملل و برخوردار از روابط پیچیده و دگرگون‌شونده با دو کشور مورد بحث در شکل‌دهی به مسیر این رابطه نقش کلیدی داشته است. به بیان دیگر همانگونه که اشاره شد، روابط ایران و چین همواره سه جانبه بوده است. در دوره مورد بررسی این پژوهش، آمریکا بار دیگر به نقش سنتی خود در شکل‌دهی به این روابط

بازگشته است. در ادامه نویسنده کوشیده بر چارچوب مفهومی، روند تحول در روابط ایران و چین در دوره پس از خروج آمریکا از برجام را مورد بحث قرار دهد.

## ۲. مثلث رمانتیک و روند تحول در روابط ایران و چین

اشاره شد که روابط ایران و چین در چهار دهه اخیر آشکارا از سیاست‌ها و کنش‌های آمریکا متأثر بوده است. روابط دو کشور به معنای واقعی در دوران مدرن در متن نظام بین‌الملل دوقطبی و متأثر از نحوه توزیع قدرت در این نظام شکل گرفت. با پیروزی انقلاب کمونیستی در ۱۹۴۹ و آغاز جنگ سرد، چین در بلوک شرق قرار گرفت. از دیگر سو ایران به‌گونه‌ای فزاینده به‌سوی بلوک غرب گرایش یافت. در آن هنگام نظام دوقطبی چنان متصلب بود که آزادی عمل کشورها را به‌شدت محدود کرده بود. در چنین فضایی ایالات متحده به‌عنوان رهبر جهان آزاد یا آنچه کمونیست‌ها اردوگاه سرمایه‌داری می‌نامیدند، پس از پیروزی انقلاب ۱۹۴۹، نه چین کمونیست بلکه دولت تایوان را به‌عنوان نماینده مردم چین به رسمیت شناخت و کرسی این کشور در سازمان ملل متحد در اختیار دولت جیان کای شک که پس از شکست از کمونیست‌ها در تایوان پناه گرفته بودند باقی ماند.

در این دوره که تا اوایل دهه ۱۹۷۰ تداوم یافت، ایران نیز از شناسایی چین کمونیست سرباز زد و همچون بسیاری دیگر از مؤتلفین ایالات متحده به حکومت تایوان به‌عنوان نماینده ملت چین رسمیت بخشید. در این دوره اتهام‌زنی‌های متقابل یکی از ویژگی‌های روابط ایران و چین بود، اما منافع بنیادین دو کشور به دلایلی چون تعلق به مجموعه‌های امنیتی بسیار متفاوت، فاصله جغرافیایی و دامنه محدود کنش چین در سیاست بین‌الملل چندان با یکدیگر در تعارض نبود. به دیگر سخن الزامات ناشی از ائتلاف با آمریکا و شوروی مانع اصلی برقراری روابط میان دو کشور بود. بنابراین می‌توان گفت که در این دوره سیاست‌ها و کنش‌های ایالات متحده نقش اساسی در شکل‌دهی به نگرش و رفتار ایران در قبال چین کمونیست ایفا کرد. در آغاز دهه ۱۹۷۰، در پیامد دیپلماسی موسوم به پینگ پنگ روابط چین و ایالات متحده برقرار شد (Xia, 2006). اندکی پس از توافق دو قدرت برای از سرگیری روابط، ایران به تشویق ایالات متحده چین کمونیست را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک برقرار شد (مهدوی، ۱۳۹۳).

در اواخر دهه ۱۹۷۰ دو تحول کلیدی در ایران و چین رخ داد و زمینه را برای تثبیت مثلث رمانتیک به‌عنوان یکی از متغیرهای کلیدی شکل‌دهنده به روابط ایران و چین فراهم آورد. انقلاب اسلامی نوعی چرخش استراتژیک در سیاست خارجی ایران پدید آورد، چرخشی که روابط ایران و آمریکا را دگرگون کرد. از دیگر سو برنامه اصلاحات و سیاست درهای باز در چین آغاز شد و زمینه را برای پایان انقلابی‌گری و گذار به سیاست خارجی توسعه‌گرا فراهم آورد (Lampton, 2001). با این تغییرات روابط ایران و آمریکا خصمانه شد و روابط چین با آمریکا رو به گسترش رفت و به تدریج نوعی وابستگی متقابل اقتصادی میان آنان شکل گرفت.

در این دوره مثلث رمانتیک به تدریج به یکی از متغیرهای شکل‌دهنده به روابط ایران و چین بدل شد. اشاره شد که مثلث رمانتیک در شرایطی شکل می‌گیرد که یکی از دولت‌ها با دو دولت دیگر روابطی دوستانه برخوردار باشد و از دیگر سو روابط آنان با یکدیگر دشمنان باشد. در چهار دهه‌ای که از وقوع انقلاب اسلامی می‌گذرد، روابط ایران و آمریکا همواره دشمنانه بوده است. از دیگر سو، روابط چین با آمریکا و ایران در این دهه‌ها همواره سازنده و دوستانه بود. برنامه اصلاحات و سیاست درهای باز و تهدید شوروی زمینه‌های شکل‌گیری همکاری راهبردی میان چین و آمریکا در دهه ۱۹۸۰ را فراهم آوردند. با فروپاشی شوروی یکی از بنیان‌های همکاری راهبردی میان آنان فرو ریخت، اما تداوم برنامه اصلاحات در چین و تداوم راهبرد کلان تعامل<sup>۱</sup> از سوی آمریکا در قبال چین، زمینه را برای گسترش همکاری راهبردی و مدیریت رقابت فراهم آورد (Sutter, 2018).

در این دهه‌ها چین کوشید روابط خود با این دو دولت را گسترش دهد، از اختلافات و تعارضات آنان با یکدیگر بهره‌گیرد و حتی به گمان برخی، در روند حل و فصل اختلافات آنان با یکدیگر مانع‌تراشی نماید. از دیگر سو، ایالات متحده به‌عنوان بازیگر سوم به‌گونه‌ای فزاینده بر روند تحول در روابط ایران و چین تأثیر گذاشت. مخالفت این کشور با فروش موشک‌های کرم ابریشم چین به ایران در دوره جنگ تحمیلی، مخالفت مؤثر با همکاری هسته‌ای



ایران و چین در دهه ۱۹۹۰ و مخالفت‌های دوام‌دار با همکاری موشکی ایران و چین را می‌توان به‌عنوان نمونه‌هایی از نقش‌آفرینی مؤثر آمریکا در شکل‌دهی به مسیر روابط ایران و چین برشمرد (Gill, 2007). در این قالب آمریکا از ابزارهای مختلفی از جمله تحریم شرکت‌های چینی، فروش تسلیحات به تایوان، اعمال فشار سیاسی بر چین برای متوقف یا محدود کردن همکاری این کشور با ایران و یا ارائه مشوق‌هایی به آن کشور بهره‌گرفت.

سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ را می‌توان سال‌های اوج نقش‌آفرینی مثلث رماتیکیک در روابط ایران و چین برشمرد. از یک سو، تنش و تعارض میان آمریکا و ایران اوج گرفت و از دیگر سو، روابط همکاری‌جویانه چین با آمریکا و تعاملات این کشور با ایران گسترش یافت. چین بدل به مهم‌ترین پنجره فرصت ایران برای مقابله با تحریم‌های دولت اواما شد و از دیگر سو در قالب‌های دوجانبه و چندجانبه نقش مدیریتی یک قدرت بزرگ را در بحران هسته‌ای ایران ایفا کرد (Sui, 2016). در این قالب چین در شورای امنیت سازمان ملل از یک سو در قالب همکاری با ایالات متحده به قطعنامه‌های تحریمی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران رأی داد و از دیگر سو، با تعدیل برخی مفاد این قطعنامه‌ها کوشید از شدت فشار بر ایران بکاهد و روابط دوستانه با این کشور را حفظ نماید (LI & WU, 2010).

### ۳. گذار به پیوند پایدار

با خروج دولت ترامپ از برجام، آمریکا از یک سو به نقش سنتی خود به‌عنوان عامل محدودکننده روابط ایران و چین بازگشت و از دیگر سو، با پایان تدریجی استراتژی کلان تعامل<sup>۱</sup> با چین، رقابت استراتژیک با این کشور را تشدید نمود. از همین رو مثلث استراتژیک چین-ایران-آمریکا در قالب پیوند پایدار احیا شد. اشاره شد که مثلث موسوم به پیوند پایدار در شرایطی شکل می‌گیرد که از یک سو دوستی و مودت بین دو دولت وجود داشته باشد و از دیگر سو، روابط آنان با طرف سوم مبتنی بر دشمنی متقارن یا نامتقارن باشد. روشن است که مناسبات ایران با آمریکا در دوره پس از خروج برجام خصمانه‌تر شده، تا جایی که برخی از محققین، سیاست‌های دولتی ترامپ در قبال ایران را تغییر رژیم می‌دانند

(Maloney, 2018). اما این مثلث بدان دلیل جدید است که دولت ترامپ فشار بر چین را به‌طور هم‌زمان افزایش داد، در استراتژی امنیت ملی خود برای نخستین بار چین را به‌عنوان یک چالش کلیدی تعریف و جنگ تجاری با چین را آغاز کرد. در دوره‌های گذشته، تنها ایران تحت فشار آمریکا بود و روابط دو ضلع دیگر مثلث در قالب تعامل قرار داشت. بنابراین مثلث استراتژیک هویت جدیدی یافت.

الگوی همکاری و رقابت چین و ایالات متحده که در دوره پسا جنگ سرد همواره به این روابط شکل داده بود متأثر از پیشرفت تغییر سیستمی در نظم بین‌المللی به معنای تغییر توزیع قدرت و مدیریت نظم بین‌المللی (Gilpin, 1983) و استرس ساختاری ناشی از خیزش چین (Alison, 2018)، نگرش حمایت‌گرایانه<sup>۱</sup> - تهاجمی دولت ترامپ به روابط با چین و اذعان طیف وسیعی از اندیشمندان روابط بین‌الملل در آمریکا به شکست استراتژی کلان تعامل با چین، به توازن‌سازی در برابر قدرت فزاینده این کشور و در برخی روایت‌ها مهار آن، دگرگون شد. متأثر از این روند، چین به یکی از مهم‌ترین موضوعات کارزار انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا بدل شد. با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ جنگ تجاری فراگیر میان دو کشور آغاز شد و رقابت راهبردی در سایر حوزه نیز شدت یافت.

آمریکا برای نخستین بار در دوره پس از جنگ سرد در قالب سند استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۱۷ رقابت قدرت‌های بزرگ را به‌عنوان عامل کلیدی تحول در سیاست بین‌الملل و چین را به‌عنوان چالشگر کلیدی تعریف کرد. در این سند با صراحت بیان شده که استراتژی کلان تعامل در قابل چین شکست خورده و این کشور قدرت، نفوذ و منافع آمریکا را به چالش کشیده و در پی فرسودن بنیان‌های امنیت و رفاه ایالات متحده است. در این متن ۳۳ بار از چین نام برده شده است. در اغلب موارد بر چالش‌های ناشی از خیزش این کشور برای موقعیت بین‌المللی آمریکا و امنیت این کشور تأکید شده است. توانمندی‌های نظامی گسترش‌یافته این کشور، برنامه موشکی آن، سرقت مالکیت معنوی، تلاش برای شکل‌دهی به نظمی مخالف با منافع و ارزش‌های آمریکایی، کوشش

برای بیرون راندن آمریکا از ایندو-پاسیفیک، گسترش برنامه تسلیحات هسته‌ای، ائتلاف‌سازی با کشورهای در حال توسعه علیه آمریکا، نظامی کردن دریای چین جنوبی و نفوذ فزاینده در اروپا به عنوان حوزه‌های کلیدی چالش نام برده شده است (The White House, 2017).

علیرغم تفاوت‌های اساسی رویکرد سیاست خارجی ترامپ و اوباما، استراتژی کلان تجدید توازن در آسیا پاسیفیک که در دوره اوباما طراحی و گام‌های نخست آن برداشته شد، در دولت ترامپ تحت عنوان استراتژی ایندو-پاسیفیک و با تمرکز گسترده‌تر بر توازن‌سازی در برابر چین در حال ظهور تداوم یافت. به دیگر سخن، دیپلماسی امنیتی ایالات متحده در قبال چین یکی از محدود حوزه‌هایی است که ترامپ تداوم بخش سیاست‌های اوباما بوده است (Choong 2019). هر دو وزیر دفاع دولت ترامپ نخستین سفر خارجی خود را به آسیا-پاسیفیک صورت دادند که نشانه‌ای از تداوم اهمیت راهبردی توازن‌سازی در برابر چین است. افزون بر این ایالات متحده مقابله با قدرت نظامی فزاینده چین را به عنوان یکی از دلایل کلیدی خروج از پیمان منع موشک‌های میان برد برشمرده و بلافاصله پس از خروج از این پیمان بر استقرار موشک‌های میان برد در آسیا تأکید کرد. بیش از ۹۰ درصد از زرادخانه موشکی چین را موشک‌های میان برد تشکیل می‌دهند ایالات متحده امیدوار است به پیمانی جدید با چین و روسیه دست یابد و بدان واسطه توان موشکی چین را محدود نماید و در صورت مخالفت چین با چنین پیمانی از آزادی عمل بیشتری برای توازن‌سازی در برابر قدرت فزاینده موشکی چین برخوردار گردد (Sanger, 2019).

برخی محققین سرشناس چینی استدلال می‌کنند که ایالات متحده از سال ۲۰۱۷ چین را به عنوان خصم استراتژیک این کشور تعریف کرده و رقابت راهبردی با این کشور را یکی از بنیان‌های سیاست خارجی خود برشمرده است. از دیگر سو، تغییر سیاست خارجی بی‌سروصدای چین در دوره نسل پنجم رهبران و تلاش‌های فزاینده این کشور برای ایفای نقش یک قدرت بزرگ در سیاست بین‌الملل، به تغییر الگوی سنتی حاکم بر این رابطه کمک کرد. چین ایده آرمان‌گرایانه «مدل جدید روابط میان قدرت‌های بزرگ» را کنار گذاشت و بر مدیریت رقابت استراتژیک فزاینده با ایالات متحده متمرکز شده است (Yan, 2018).

با دگرگونی مثلث استراتژیک، کنش چین در برابر فشارهای فزاینده دولت ترامپ بر ایران به تدریج تغییر کرد. این کشور به‌صراحت از خروج آمریکا از برجام انتقاد کرد و بر تداوم روابط تجاری عادی با ایران تأکید نمود (Iran Project, 2018). رئیس‌جمهور چین در دیدار با مقامات ارشد ایران بر لزوم گسترش تعاملات راهبردی ایران و چین بدون توجه به تغییرات در شرایط بین‌المللی تأکید کرد (Xinhua, 2019). این کشور در هماهنگی با روسیه مانع از بهره‌گیری ایالات متحده از ابزار شورای امنیت علیه ایران شد. افزون بر این، دولت چین فرصت‌های مهمی برای تداوم روابط اقتصادی میان دو کشور، به‌ویژه در حوزه صادرات نفت فراهم آورد. در این دوره چین همچنان به‌عنوان مهم‌ترین خریدار نفت ایران باقی ماند، بخش مهمی از نفت فاقد مشتری ایران در مخازن این کشور ذخیره شد (Reuters, 2019) و چین به مهم‌ترین بازیگر در دور زدن تحریم‌های نفتی ایالات متحده علیه ایران، به‌ویژه پس از پایان معافیت‌های نفتی بدل شد (Reuters, 2019).

البته در این دوره مبادلات تجاری ایران با چین رو به کاهش گذاشت، شرکت‌های بزرگ چینی همکاری با ایران را کاهش داده یا قطع نمودند و مبادلات مالی میان دو کشور با دشواری‌های بیشتری مواجه شد. در تحلیل این رخدادها از منظر بحث حاضر باید میان «منطق اقدام دولت‌ها» و «منطق اقدام شرکت‌ها» تفکیک قائل شد. برخلاف برخی تصورات رسانه‌ای، منطق اقدام شرکت‌های چینی با منطق اقدام دولت چین تفاوت‌های مهمی دارد و بخش مهمی از این شرکت‌ها را نمی‌توان به‌عنوان تابعی از دولت چین تعریف کرد. این شرکت‌ها بر مبنای ملاحظات اقتصادی، منافع ناشی از حضور در بازار جهانی و نگرانی از مجازات ایالات متحده از حضور در بازار ایران چشم پوشیدند. این نگرانی‌ها به‌ویژه پس از مجازات شدید شرکت هواوی توسط دولت آمریکا شدت یافت (New York Times, 2019). بنابراین نمی‌توان منطق اقدام شرکت‌های چینی را به دولت این کشور تسری داد. به همین دلیل در دوره پس از خروج آمریکا از برجام، تعاملات سیاسی-امنیتی ایران و چین رو به توسعه بوده، اما روابط اقتصادی آنان که عمدتاً متأثر از منطق اقدام شرکت‌هاست رو به کاهش گذاشته است.

گذار از مثلث رمانتیک به مثلث پایدار هنوز در مراحل آغازین قرار دارد. از همین رو نه می‌توان مثلث رمانتیک را متعلق به گذشته روابط ایران و چین و موضوعی تاریخی برشمرد و نه می‌توان از تثبیت مثلث پایدار سخن گفت. اما می‌توان مدعی شد که به تدریج زمینه‌های بیشتری برای تثبیت مثلث پایدار در روابط ایران و چین فراهم می‌آید. همان‌گونه که اشاره شد، تغییر سیستمی در نظم بین‌المللی مهم‌ترین نیروی شکل‌دهنده و احتمالاً تثبیت‌کننده این مثلث خواهد بود. با پیشرفت تغییر سیستمی، احتمالاً استرس ساختاری ناشی از خیزش چین به‌گونه‌ای فزاینده بر کلیت سیاست خارجی ایالات متحده و بر روابط این کشور با چین حاکم خواهد شد. افزون بر این چین بنا به منطق قدرت و نیز ضرورت‌های ناشی از جهانی‌شدن منافع این کشور، تلاش‌های گسترده‌تری را برای بازنویسی یا اصلاح قواعد حاکم بر نظم بین‌المللی صورت خواهد داد، تلاش‌هایی که نقاط تعارض این قدرت در حال ظهور و تجدیدنظرطلب با ایالات متحده را افزایش خواهد داد (Kegan, 2018).

دو استراتژی کلان ایندو پاسیفیک و ابتکار یک جاده، یک کمر بند را می‌توان نمادهای رقابت فزاینده چین و ایالات متحده بر سر قدرت و قواعد نظم بین‌المللی دانست. آمریکا در قالب استراتژی کلان ایندو پاسیفیک می‌کوشد نقش مسلط خود در شکل‌دهی به قواعد نظم امنیتی و اقتصادی در این منطقه را تداوم بخشد، منطقه‌ای که تاریخ قرن بیست و یک در آن نوشته خواهد شد. (Clinton, 2011). از دیگر سو، چین در حال ظهور و تجدیدنظرطلب با طراحی و اجرای تدریجی مهم‌ترین مگاپروژه تاریخ بشر به تدریج در حال قدرت‌نمایی در مناطق مختلف، بازنویسی قواعد نظم بین‌المللی و به‌نوعی چین‌محور نمودن این قواعد است (Pantucci, 2017). آنچه از منظر پژوهش حاضر اهمیت دارد آنکه این رقابت احتمالاً تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی تداوم خواهد یافت. به دیگر سخن فارغ از تغییر رهبران، عوامل ساختاری مقوم و تشدیدکننده رقابت چین و ایالات متحده خواهند بود (Mersheimer, 2011).

از دیگر سو دیوار بلند بی‌اعتمادی میان ایران و ایالات متحده با خروج این کشور بلندتر نیز شده است. افزون بر این تنش‌های ساختاری میان این قدرت منطقه‌ای تجدیدنظرطلب و ایالات متحده در دوره ترامپ به‌گونه‌ای افزایش

یافت که دو کشور تا آستانه جنگ پیش رفتند. ایالات متحده مهم‌ترین نیروی نظامی ایران را تروریستی اعلام کرد و در پی قطع کامل صادرات نفت ایران برآمد. واکنش‌های ایران به این اقدامات، خلیج فارس را در آستانه جنگ جدید قرارداد. در این دوره مقابله با هژمونی طلبی ایران پیوسته در مناظرات سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا تکرار شده و به نوعی تشدید تقابل میان یک قدرت منطقه‌ای تجدیدنظرطلب و در حال ظهور با قدرت بزرگی که به طور فزاینده نگران از دست دادن موقعیت مسلط خود است را نشان می‌دهد. اشاره شد که استرس ساختاری ایالات متحده در پیامد خیزش چین رو به افزایش است و تأثیرات منفی بر روابط این کشور با چین خواهد گذاشت. این امر در مورد روابط ایران و آمریکا نیز در سطح منطقه‌ای مصداق دارد. نگرانی این کشور از تلاش‌های ایران برای نیل به هژمونی منطقه‌ای و بازنویسی قواعد نظم در خاورمیانه به عنوان مهم‌ترین دلیل خروج از برجام برشمرده شد. نیروهای ساختاری شکل‌دهنده و تشدیدکننده تنش میان ایران و ایالات متحده احتمالاً تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی تداوم خواهند یافت.

تجدیدنظرطلبی بیش‌فعال ایران و چین از یکسو و تلاش‌های ایالات متحده برای کند کردن روند تغییر سیستمی، رقابت راهبردی و تنش میان دو کشور با ایالات متحده را تداوم خواهد بخشید. گسترش و تعمیق این روند تأثیرات شدیدتری بر روابط چین و ایالات متحده، در مقایسه با روابط ایران و آمریکا خواهد گذاشت، زیرا چین تنها قدرت بزرگی است که از توان و تمایل به چالش کشیدن موقعیت مسلط ایالات متحده در پهنه سیاست بین‌الملل برخوردار است، درحالی‌که دامنه چالش ایران محدود به شامات است. از همین رو احتمالاً ایران به دلایل ساختاری و نه کارگزاری در میان مدت نقشی مهم‌تر در تثبیت یا فروپاشی این مثلث خواهد داشت. پذیرش نقش منطقه‌ای ایران و مشروعیت‌دهی به آن از سوی ایالات متحده در میان مدت امکان‌پذیری بیشتری در مقایسه با پذیرش نقش جهانی چین از سوی آمریکا دارد. از همین رو، بروز نوعی شگفتی استراتژیک و فروپاشی این مثلث در پیامد بازتعریف مناسبات ایران و ایالات متحده وجود دارد، هرچند احتمال وقوع آن اندک است.

## نتیجه‌گیری

تغییر الگوی حاکم بر روابط ایران و چین به مثلث پایدار، نوعی گسست در سنت روابط ایران و چین در دهه‌های اخیر پدید آورده است. اشاره شد که در دهه‌های اخیر متأثر از تداوم مثلث رمانتیک، چین از آزادی عمل قابل توجهی در بهره‌گیری از تنش ایران و آمریکا برخوردار بود. با شکل‌گیری مثلث پایدار آزادی عمل چین در فرایندی تدریجی رو به کاهش خواهد بود و از دیگر سو نیاز این کشور به توازن سازی خارجی در برابر آمریکا افزایش خواهد یافت. در پیامد این روند، منطق اقدام چین در تعامل با ایران احتمالاً بیش از گذشته ژئوپلیتیک خواهد بود، بدان معنا که این کشور به افزایش همکاری راهبردی با ایران به‌عنوان نیرویی توازن ساز در برابر ایالات متحده اولویت خواهد بخشید. از دیگر سو با تداوم جنگ سرد میان ایران و ایالات متحده، پیوندهای ساختاری این کشور در حوزه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی با چین رو به گسترش و تعمیق خواهد بود. با گسترش پیوندهای سیاسی و نظامی، احتمالاً شرایط برای ارتقای همکاری راهبردی میان دو کشور بیش از گذشته فراهم خواهد شد.

روابط ایران و چین؛ گذار از مثلث رمانتیک به پیوند پایدار محسن شریعتی‌ن

## منابع

### الف) منابع فارسی

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، (۱۳۹۳) در حاشیه سیاست خارجی ایران: از نهضت ملی شدن نفت تا انقلاب، تهران، نشر میزان،

شاهنده، بهزاد (۱۳۹۶) چین: روابط با آمریکا و ایران، تهران، نشر میزان

### ب) منابع انگلیسی

«Boxed In: \$1 Billion of Iranian Crude Sits at China's Dalian Port.» U.S. Last modified April 30, 2019. <https://www.reuters.com/article/us-china-iran-oil-sanctions/boxed-in-1-billion-of-iranian-crude-sits-at-chinas-dalian-port-idUSKCN1S60HS>.

«China's Commerce Ministry: Beijing Will Continue Trade with Tehran.» The Iran Project. Last modified July 20, 2018. <https://theiranproject.com/blog/2018/07/20/chinas-commerce-ministry-beijing-will-continue-trade-with-tehran/>.

«Chinese President Meets Iran's Parliament Speaker - Xinhua | English.news.cn.» 新华网\_让新闻离你更近. Accessed October 21, 2019. [http://www.xinhuanet.com/english/2019-02/20/c\\_137837646.htm](http://www.xinhuanet.com/english/2019-02/20/c_137837646.htm).

«Huawei Executive's Arrest Intensifies Trade War Fears.» The New York Times - Breaking News, World News & Multimedia. Last modified December 7, 2018. <https://www.nytimes.com/2018/12/06/us/politics/huawei-meng-china-iran.html>.

Kagan, Robert(2018) *The Jungle Grows Back: America and Our Imperiled World*. New York: Vintage

«U.S. «deeply Concerned» About Untrackable China Ships Carrying Iran Oil: Officials.» U.S. Last modified October 16, 2019. <https://www.reuters.com/article/us-usa-iran-china-tankers/u-s-deeply-concerned-about-untrackable-china-ships-carrying-iran-oil-officials-idUSKBN1WV0SE>.

“A New National Security Strategy for a New Era.” The White House. The



United States Government, December 19, 2017. <https://www.whitehouse.gov/articles/new-national-security-strategy-new-era/>.

«U.S. Ends Cold War Missile Treaty, With Aim of Countering China.» The New York Times - Breaking News, World News & Multimedia. Last modified September 27, 2019. <https://www.nytimes.com/2019/08/01/world/asia/inf-missile-treaty.html>.

Allison, Graham T. (2018) *Destined for War. Can America and China Escape Thucydides Trap?* Sejong Books, Chen, Jian(2010). *Mao's China and the Cold War*.

Chapel Hill: University of North Carolina Press, Choong, William. (2019) «The return of the Indo-Pacific strategy: an assessment.» *Australian Journal of International Affairs* 73, No. 5 Clinton, Hillary. (2011) «America's Pacific Century.» *Foreign Policy*.

Pantucci, Raffaello, and Sarah Lain. (2017) *China's Eurasian Pivot. The Silk Road Economic Belt*. London: Routledge

Cui, Shunji, and Barry Buzan(2016): «Great Power Management in International Society.» *The Chinese Journal of International Politics* 9, no. 2 181-210

Dittmer, Lowell(1983),. «The Strategic Triangle: An Elementary Game-Theoretical Analysis.» *World Politics*, pp. 37-67

Gill, Bates(2007). *Rising Star: China's New Security Diplomacy*. Washington: Brookings Institution Press

Gilpin, Robert(1983).. *War and Change in World Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Haftendorn, Helga, and Michael Kolkmann(2004). «German Policy in a Strategic Triangle: Berlin, Paris, Washington ... and What about London?» *Cambridge Review of International Affairs*, vol. 17, no. 3., pp. 467-479.

Hallenberg, Jan, and Håkan Karlsson, (2006). *Changing Transatlantic Security Relations: Do the US, the EU and Russia Form a New Strategic Triangle?*

Abingdon: Routledge

Jisi, Wang, and Hu Ran(2019). "From Cooperative Partnership to Strategic Competition: a Review of China-U.S. Relations 2009-2019." *China International Strategy Review*, Lampton, David M(2000).. *The Making of Chinese Foreign and Security Policy in the Era of Reform*, Redwood City: Stanford University Press

LIU, J., & WU, L. (2010). Key Issues in China-Iran Relations. *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)*, 4(1), 40-57  
Lü thi, Lorenz M. *The Sino-Soviet Split: Cold War in the Communist World*. Princeton: Princeton University Press, 2010.

Maloney, Suzanne. «The Trump Administration's Plan B on Iran is No Plan at All.» Brookings. Last modified May 22, 2018. <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2018/05/22/the-trump-administrations-plan-b-on-iran-is-no-plan-at-all/>.

Mersheimer, John J) «Can China Rise Peacefully?» *The National Interest*. Last modified June 5, 2018. <https://nationalinterest.org/commentary/can-china-rise-peacefully-10204>.

Murphy, Ann Marie. "Great Power Rivalries, Domestic Politics and Southeast Asian Foreign Policy: Exploring the Linkages." *Asian Security*, vol. 13, no. 3, 2017, pp. 165-182  
Pant, Harsh V(2004),. "The Moscow-Beijing-Delhi 'Strategic Triangle': An Idea Whose Time May Never Come." *Security Dialogue*, vol. 35, no. 3, pp. 311-328

Steff, Reuben, and Francesca Dodd-Parr(2018),. "Examining the Immanent Dilemma of Small States in the Asia-Pacific: the Strategic Triangle between New Zealand, the US and China." *The Pacific Review*, vol. 32, no. 1, pp. 90-112.

Sutter, Robert G. (2018) *US- China Relations: Perilous Past, Uncertain Present*. New York, Lanham: Rowman & Littlefield Publishers.

Tim. "Rethinking the Triangle: Washington-Beijing-Taipei. Edited by Brantly Womack and Yufan Hao." OUP Academic, Oxford University Press, 4 Nov. 2016, [academic.oup.com/ia/article-abstract/92/6/1553/2688448](http://academic.oup.com/ia/article-abstract/92/6/1553/2688448).

Xia, Yafeng. «China's Elite Politics and Sino-American Rapprochement, January 1969-February 1972.» *Journal of Cold War Studies* 8, no. 4 (2006), 3-28.

Yan, X. «From Keeping a Low Profile to Striving for Achievement.» *The Chinese Journal of International Politics* 7, no. 2 (2014): 153-84. doi:10.1093/cjip/pou027.

KHAN, Zahid, and Changgang GUO (2017) «China's Energy Driven Initiatives with Iran: Implications for the United States.» *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies* 11, No. 4 15-31.

FAN, Hongda. (2018) «China's Policy Options towards Iran.» *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)* 5, no. 1 (2011), 45-60.

Hong, Zhao. (2013) «China's Dilemma on Iran: between energy security and a responsible rising power.» *Journal of Contemporary China* 23, no. 87, 408-424.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی